

تفسیر باطنی آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»

سمیرا قلی‌بی^۱

مرضیه محسن‌نژاد^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱

چکیده

بسیاری از آیات قرآن کریم، افزون بر تفسیر ظاهری، معنای باطنی نیز دارند. برخی از این تفسیرهای باطنی برخاسته از روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام و صحابه است. آیه ۱۰۷ سوره صافات که می‌فرماید: «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» نیز از جمله این آیات است. پرسش پژوهش حاضر این است که مقصود از تفسیر باطنی آیه ۱۰۷ سوره صافات چیست؟ این پژوهش در صدد است با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، با نگاهی بر تفسیر ظاهری آیه، به تفصیل پیرامون تفسیر باطنی آن بپردازد. دستاودهای پژوهش حاکی از این مطلب است که تفسیر باطنی آیه ۱۰۷ سوره صافات بر امام حسین علیه‌السلام ناظر است. حضرت ذبح عظیمی است که از نسل حضرت ابراهیم علیه‌السلام متولد می‌شود. این تفسیر باطنی برخاسته از روایتی تفسیری نقل شده از امام رضا علیه‌السلام است که با سند صحیح در برخی کتاب‌های معتبر و متقدم شیعه نقل گردیده است و معیارهای یک تفسیر باطنی ضابطه‌مند را دارد. **کلیدواژگان:** آیه ۱۰۷ سوره صافات، امام حسین علیه‌السلام، تفسیر باطنی، ذبح عظیم.

۱. دانشجوی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - آمل (Samiragholiee313@gmail.com)

۲. دانشجوی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - آمل

سوره مبارکه صافات از جمله سوره‌های قرآن کریم است که به سرگذشت برخی انبیای الهی تأکید دارد. از جمله این انبیا حضرت ابراهیم علیه السلام است. در آیات ۱۰۲ تا ۱۰۸ این سوره فرمان الهی به حضرت ابراهیم علیه السلام پیرامون ذبح فرزندش اشاره گردیده است. خداوند این فرمان را این‌گونه به ابراهیم علیه السلام ابلاغ نمود:

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمُرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ * فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ * وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ (۱۰۴) قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَحْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّ هَذَا هُوَ الْبَلَاءُ الْمُئْتِنُ * وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ (صافات/ ۱۰۲-۱۰۷)

هنگامی که با او به مقام سعی و کوشش رسید، گفت: «پسرم! من در خواب دیدم که تو را ذبح می‌کنم، نظرتو چیست؟» گفت «پدرم! هر چه دستور داری اجرا کن، به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت!» * هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم جبین او را بر خاک نهاد... * او را ندا دادیم که: «ای ابراهیم! * آن رؤیا را تحقق بخشیدی (و به مأموریت خود عمل کردی)!» * ما این گونه، نیکوکاران را جزا می‌دهیم! * این مسلماً همان امتحان آشکار است! * ما ذبح عظیمی را فدای او کردیم.

طبق آیات کریمه، ابراهیم علیه السلام امتحان الهی را با موفقیت می‌گذراند و در نهایت، ذبحی عظیم فدای فرزند قربانی نشده می‌گردد. پیرامون مصداق ظاهری «ذبح عظیم» بحث‌های فراوانی در طول تاریخ تفسیر صورت گرفته است. اما باید توجه داشت که در طول تاریخ تفسیر، روش برخورد مفسران - به خصوص مفسران امامیه - چنین بوده که در کنار تفسیر ظاهری بسیاری از آیات، با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام و صحابه مورد اعتماد، اشاره‌ای به بطن آیات نیز داشته باشند. آیه ۱۰۷ سوره صافات نیز از جمله این آیات است. نوشتار حاضر در جهت معرفی تفسیر باطنی این آیه نگاشته شده است.

۱-۱. بیان مسئله

از مهم‌ترین حوزه‌های تفسیری، شناسایی آیاتی است که در شأن اهل بیت



عصمت علیه السلام نازل شده است. برای شناسایی این آیات می توان به روایات تفسیری معتبر مراجعه نمود. در فضیلت امام حسین علیه السلام به عنوان یکی از مصادیق اهل بیت علیهم السلام، آیات بسیاری از قرآن کریم نازل شده است. گرچه به صراحت نامی از حضرت در قرآن کریم نیامده، اما با مراجعه به روایات تفسیری که از ناحیه معصومین علیهم السلام و صحابه مورد اعتماد نقل شده، می توان ظاهر و باطن بسیاری از آیات قرآن کریم را ناظر به امام حسین علیه السلام دانست. این آیات یا به طور کلی برائمه اهل البیت علیهم السلام که امام حسین علیه السلام را نیز شامل می شود، دلالت دارند؛ یا به طور خاص، امام حسین علیه السلام را ناظرند. با توجه به آنچه بیان شد، این پرسش مطرح است که تفسیر باطنی آیه ۱۰۷ سوره صافات چگونه با امام حسین علیه السلام ارتباط می یابد؟

این پژوهش در راستای پاسخ گویی به پرسش مذکور و توضیحاتی تفسیری پیرامون آیه ۱۰۷ سوره صافات با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

پیرامون بررسی آیاتی که در شأن امام حسین علیه السلام نازل شده اند و به فضیلت ایشان دلالت دارند، آثار مستقلی نگاشته شده است. برخی از این آثار عبارت اند از کتاب های محمدی ری شهری: *دانش نامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ* (۱۳۸۰)؛ شریعت زاده: *امام حسین علیه السلام شریک قرآن* (۱۳۹۲)؛ مغنیه: *شهادت، حسین، قرآن* (۱۳۶۱)؛ محقق: *قرآن و امام حسین علیه السلام* (۱۳۶۴) و... مقالات: «وفا: امام حسین علیه السلام در قرآن» (۱۳۸۸)؛ سلمان پور: «تجلی امام حسین علیه السلام در قرآن» (۱۳۸۴). اما تاکنون اثر مستقلی به صورت کتاب، پایان نامه یا مقاله که صرفاً به بررسی تفسیر آیه ۱۰۷ سوره صافات بر فضیلت امام حسین علیه السلام پرداخته باشد، مشاهده نشده است.

این مقاله می کوشد با تمرکز بر یک آیه خاص (آیه ۱۰۷ صافات) دلالت این آیه را بر فضیلت امام حسین علیه السلام بررسی نماید تا تلاشی اثبات فضایل و مناقب قرآنی حضرت باشد.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به این که قرآن کریم معجزه جاویدان است و هیچ باطنی در آن راه ندارد

(فصلت: ۴۲)، اثبات مبانی و مفاهیم امامت با استناد به آیات کلام وحی و هم چنین پرداختن به آیات خاص امامت که کم تر به این آیات توجه شده است می تواند بُعد جدیدی از موضوعات امامت پژوهی را به اسلام پژوهان نشان دهد.

۲. مروری کوتاه بر تفسیر ظاهری آیه «ذبح عظیم»

از دیدگاه مفسران، تفسیر ظاهری «ذبح عظیم» عبارت بود از قوچی که جبرئیل از سوی خدای تعالی آورد. و مراد از «ذبح عظیم» بزرگی جثه قوچ نیست؛ بلکه چون از ناحیه خدا آمد و خدای تعالی آن را عوض اسماعیل قرار داد، عظمت داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۳/۱۷).

دیدگاه صاحب تفسیر مجمع البیان ذیل آیه شریفه در تفسیر ظاهری آیه به شرح زیر است:

«فداء» چیزی را گویند که به جای چیز دیگری قرار داده شود که از چیز اول، ضرر برطرف شود و «ذبح» به معنای مذبح و آن که ذبح گردیده شود، است و مقصود این که ما ذبح را به جای آن قرار داده، مانند اسیری که مقابل چیزی فدیة و آزاد شود.

طبرسی در ادامه، دیدگاه های مختلف درباره «ذبح عظیم» را این گونه برمی شمرد:

ابن عباس گوید: مراد از ذبح، قوچی از گوسفند است. و این قول مجاهد و ضحاک و سعید بن جبیر است. ابن عباس نیز گوید: ذبح عبارت از قوچی بود که هابیل آن را به قربانگاه آورد.

ذبح عظیم درباره این که چرا ذبح را عظیم گفته است اختلاف است: مجاهد گوید: از این جهت عظیم گفته شده که مورد قبول بود. و برخی گفته اند: به این جهت است که اندازه آن بزرگ تر از قوچ های دیگر بوده است. و نیز گفته اند: به این جهت است که آن قوچ چهل پاییز در بهشت چریده بود. و این از سعید بن جبیر است.

و برخی گفته اند: به این جهت عظیم گفته شده که خداوند آن را بدون پدر و مادر به وجود آورده بود. و گفته اند: برای این که فداء عبد عظیم بود. (طبرسی،

لذا از دیدگاه مفسران، ظاهر «ذبح عظیم» بر قربانی ناظر است که در عوض قربانی نشدن فرزند ابراهیم علیه السلام برای وی فرستاده شد.

در این که عظمت این ذبح از چه نظر بوده از نظر جسمانی و ظاهری؟ و یا از جهت این که فدای فرزند ابراهیم شد؟ و یا از نظر این که برای خدا و در راه خدا بود؟ و یا از این نظر که این قربانی از سوی خدا برای ابراهیم فرستاده شد؟ مفسران گفت و گوهای فراوانی دارند، ولی هیچ مانعی ندارد که تمام این جهات در ذبح عظیم جمع و از دیدگاه های مختلف دارای عظمت باشد.

یکی از نشانه های عظمت این ذبح آن است که با گذشت زمان سال به سال وسعت بیشتری یافته و اکنون در هر سال بیش از یک میلیون به یاد آن ذبح عظیم ذبح می کنند و خاطره اش را زنده نگه می دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹/۱۱۶).

۳. توضیحاتی پیرامون تفسیر باطنی قرآن کریم

لغت شناسان، واژه «بطن» و «باطن» را به خلاف «ظهر» یا خلاف و مقابل «ظاهر» معنا کرده اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۲۵۹؛ طریحی، ۱۹۸۹: ۶/۲۱۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۵: ۱/۲۹۲).
راغب اصفهانی ذیل ماده «بطن» آورده است:

اصل بطن عضوی از بدن (شکم) و جمع آن بطون است. بطن نقطه مقابل «ظهر» است. به هر چیزی که با حواس درک شود، ظاهر و به آن چه از حواس پوشیده باشد، باطن گویند؛ مانند آیات «وَذُرُوا ظَهْرَ الْأَثِمِ وَ بَاطِنَهُ» (انعام: ۱۲۰) و «مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (انعام: ۱۵۱). (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱/۲۸۲)

هم چنین وی در جای دیگری آورده است:

بطن زمانی به کار می رود که چیزی در عمق زمین باشد و مخفی بماند. (همو:

۵۳۷/۱)

یکی از گرایش های تفسیری، تفسیر باطنی قرآن کریم است که گاه از آن به تفسیر اشاری، رمزی و شهودی نیز یاد می شود (نصیری، ۱۳۸۶: ۴۹۱).

عبدالعظیم زرقانی در تعریف آن چنین آورده است:

تفسیر اشاری، تأویل غیر ظاهری قرآن است که به استناد اشاره پنهانی که برای اهل سلوک و تصوف آشکار می‌شود، می‌توان میان معنای باطن یا معنای ظاهر قرآن نیز جمع کرد. (زرقانی، ۱۹۸۸: ۸۶/۲)

آیت الله معرفت در این باره می‌نویسد:

اهل عرفان باطنی تفاسیری دارند که بر اساس تأویل ظواهر و عمل به باطن تعبیرات قرآن و نه دلالت ظاهری مبتنی است. چنین تفسیری بردلالت رموز اشاره در اصطلاح آنان تکیه دارد؛ که از باطن کلام برگرفته می‌شود و صراحت لفظ به شمار نمی‌آید. (معرفت، ۱۴۱۸: ۵۲۶/۲)

۱-۴. تفسیر باطنی در روایات

از آن جایی که دلیل وجود باطن برای قرآن، روایات است؛ برای پی بردن به این‌که «مراد از باطن قرآن چیست» نیز باید از روایات کمک گرفت؛ یعنی باید دید همان روایت‌هایی که از وجود باطن قرآن خبر داده‌اند، ماهیت باطن قرآن را چگونه معرفی کرده‌اند و صحت و سقم وجوه و اقوال یاد شده نیز با توجه به ویژگی‌هایی که در روایات برای باطن قرآن بیان شده، روشن می‌شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: لَيْسَ مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ. (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱/۲۷۰)

در این روایت، وجود ظاهر و باطن برای قرآن مسلم به شمار آمده و تردیدی نیست که منظور از ظاهر، معارفی است که از ظاهر آیات فهمیده می‌شود و منظور از باطن، معارف باطنی آیات است.

روایاتی نیز وجود دارد که ضمن خبر از وجود باطن برای قرآن، یا مسلم دانستن آن، مشخصاتی را نیز برای ظاهر و باطن بیان کرده‌اند. به عنوان نمونه:

فضیل گوید: از ابوجعفر (امام باقر علیه السلام) درباره روایت «هیچ آیه‌ای از قرآن نیست، مگر این‌که برای آن ظهری و بطنی است» سؤال کردم. فرمود: «ظهران تنزیل آن



است و بطن آن تأویل آن. (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۶)

هم چنین فضیل بن یسار می گوید:

از امام باقر علیه السلام درباره این روایت پرسیدم که می فرماید: «وَمِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ». امام علیه السلام فرمود: «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷ / ۱۹۷)

ظهر آن همان تنزیل آن، و بطن آن تأویلش است.

از این روایت استفاده می شود که صدور روایت مورد سؤال و وجود ظهور و بطن برای آیات قرآن کریم در آن زمان قطعی بوده است. از این رو، امام علیه السلام در پاسخ سؤال فضیل، معنای ظهور و بطن را بیان نمود و درباره صدور آن و اصل وجود ظهور و بطن برای قرآن، سخنی نفرمود (بابایی، ۱۳۷۷: ۱۰).

روایاتی نیز وجود دارد که درجات مختلفی را برای باطن قرآن معرفی می نماید. به عنوان نمونه، در ضمن روایتی، امام باقر علیه السلام به جابر بن یزید جعفی فرمود:

يا جابر! إِنَّ لِّلْقُرْآنِ بَطْنَاً وَ لِّلْبَطْنِ بَطْنٌ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ لِّلظَهْرِ ظَهْرٌ؛ (مجلسی، ۱۳۸۴: ۹۱/۹۲)

ای جابر! برای قرآن، باطنی است؛ و برای باطن آن باطنی است؛ و برای قرآن ظاهری است؛ و برای ظاهر آن ظاهری است.

در روایتی دیگر، حسن بصری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که ایشان فرمود:

لَمَّا أَنْزَلَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ آيَةً إِلَّا وَ هَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ لِكُلِّ حَرْفٍ حُدٌّ وَ لِكُلِّ حَدٍّ مَطْلَعٌ؛ (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱/۵۵۰)

این روایت نیز وجود معنای ظاهری و باطنی را به همه آیات کلام وحی تعمیم داده است.

۲-۴. معیار حجیت تفسیر باطنی

صحت هر تفسیر باطنی و معنای اشاری که برای آیات قرآن کریم ذکر می شود، منوط به شرایط زیر است:

الف) توجه به ظاهر و باطن قرآن هر دو؛ یعنی توجه به بطن و اشارات قرآن، مفسر را از توجه به ظاهر آیات و تفسیر ظاهری آن غافل نکند و نگوید قرآن غیر از تفسیر اشاری باطنی، تفسیر دیگری ندارد. این ضابطه از کلام علامه طباطبایی و آیت الله معرفت استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۱؛ معرفت، ۱۴۱۸: ۲/۵۲۷).

ب) باید در قالب یکی از دلالت‌های عرفی کلام (مانند دلالت اقتضا، تنبیه، ایما و اشاره، یا دلالت مفهومی کلام، چه موافق و چه مخالف) بگنجد و یا روایات معتبر و قابل اعتمادی از پیامبر ﷺ یا یکی از امامان معصومین از مقصود بودن آن از آیه خبر داده باشد (بابایی، ۱۳۸۶: ۲/۲۲-۲۱).

ج) معنایی که برای آیه ذکر می‌شود، با عقل و هم‌چنین ضروری دین یا دلیل قطعی و یا ظاهر آیه یا روایات معتبری مخالف آشکار نداشته باشد و قابل جمع عرفی باشد (همو).

د) تفسیر باطنی، قرینه معتبری داشته باشد. این قرینه، گاهی عقلی و گاهی نقلی هم چون آیات و روایات است؛ یعنی گاهی از روش تفسیر عقلی و اجتهادی و گاهی از روش تفسیر روایی برای به دست آوردن از بطن و پیام آیه استفاده می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۴۲).

ه) مفهوم عام و قاعده کلی که از آیه استخراج می‌شود، طوری باشد که مورد آیه، یکی از مصادیق آن باشد (همو).

بنابراین اگر شرایط مذکور محقق شود، تفسیر باطنی ضابطه مند و معتبر خواهد بود.

۵. روایات حاکی از مقصود باطنی آیه ۱۰۷ صافات

مقصود باطنی آیه ذبح عظیم مصداقی خاص را ناظر است. تفسیر باطنی این آیه به امام حسین علیه السلام ارتباط می‌یابد. این تفسیر باطنی برخاسته از روایتی تفسیری نقل شده از امام رضا علیه السلام است که در برخی کتاب‌های روایی و حدیثی معتبر شیعه مندرج است. از جمله شیخ صدوق در دو کتاب مهم و معتبر خود؛ یعنی *عیون اخبار الرضا علیه السلام* و *خصال* این روایت را به سند کامل نقل نمودند. متن روایت در کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام*

بدین شرح است:

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ دُوسِ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ بَيْسَابُورِي فِي شَعْبَانَ سَنَةِ
اَثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ فَتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنِ الْفَضْلِ
بْنِ شَادَانَ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنْ يَذْبَحَ
مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَشْبِ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَمَنَّى إِبْرَاهِيمُ عليه السلام أَنْ يَكُونَ يَذْبَحُ ابْنَهُ
إِسْمَاعِيلَ عليه السلام بِيَدِهِ وَ أَنَّهُ لَمْ يُؤْمَرْ بِذَبْحِ الْكَشْبِ مَكَانَهُ لِيَرْجِعَ إِلَى قَلْبِهِ مَا يَرْجِعُ إِلَى قَلْبِ
الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَعَزُّ وَلَدِهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحِقَّ بِذَلِكَ أَزْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ الثَّوَابِ عَلَى
الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ مَنْ أَحَبُّ خَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا
خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ أ
فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ نَفْسِكَ قَالَ بَلْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي. قَالَ فَوَلَدُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ
وَلَدِكَ قَالَ بَلْ وَوَلَدُهُ قَالَ فَذَبْحُ وَلَدِهِ ظُلْمًا عَلَى أَعْدَائِهِ أَوْ جَعُ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَبْحُ وَلَدِكَ بِيَدِكَ
فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَلْ ذَبْحُهُ عَلَى أَيْدِي أَعْدَائِهِ أَوْ جَعُ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ
طَائِفَةً تَزْعُمُ أَنَّهُمَا مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله سَتَقْتُلُ الْحُسَيْنَ عليه السلام إِنَّهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا
كَمَا يُذْبَحُ الْكَشْبُ فَيَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي فَجَزِعَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام لِذَلِكَ وَتَوَجَّعَ قَلْبُهُ وَ
أَقْبَلَ يَبْكِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ
لَوْ ذَبَحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ قَتَلِهِ وَ أَوْجَبْتُ لَكَ أَزْفَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ
الثَّوَابِ عَلَى الْمَصَائِبِ فَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ». (صدوق،

۱۳۷۸ق:ج/۱/۲۰۹؛ همو، ۱۳۶۲:ج:۱/۵۹)

هنگامی که حق تعالی حضرت ابراهیم عليه السلام را امر فرمود که جای فرزندش
اسماعیل بره که از برای او فرستاده بود قربانی کند، ابراهیم عليه السلام از خداوند آرزو کرد
که کاش فرزند خود اسماعیل را به دست خود در راه خدا قربانی می کردم و کاش
مأمور نشده بودم به قربانی کردن بره جای اسماعیل تا این که قلب من رجوع کند و
قلب پدری شود که عزیزترین فرزندان خود را به دست خود در راه دوست قربانی
کند و به این سبب درجه های او بلندتر شود از کسانی را که حق تعالی به آن ها
ثواب عطا فرموده به جهت نزول مصائب به آن ها حق تعالی وحی به سوی او
فرستاد که: ای ابراهیم! از مخلوق من کیست دوست تر به سوی تو؟ عرض کرد:
پروردگارا! این همه مخلوق را که آفریدی احدی را بیش از حبيب تو محمد
مصطفی صلى الله عليه وآله دوست تر ندارم. حق تعالی به او وحی فرستاد که: آیا او را بیشتر

دوست می داری یا خود را؟ عرض کرد: بلکه او را. فرمود: فرزند او را بیشتر دوست می داری یا فرزند خودت را؟ عرض کرد: بلکه فرزند او را. فرمود: قربانی شدن فرزند او بردست دشمنان او از روی ظلم بیشتر دل تو را به درد می آورد یا قربانی کردن فرزند خود را به دست خود در اطاعت من؟ عرض کرد: بلکه قربانی شدن فرزند او بردست دشمنان او بیشتر دلم را به درد می آورد. فرمود: ای ابراهیم! طایفه را گمان برسد که از امت محمد ﷺ باشند و بکشند فرزند او حسین را، بعد از او به جور و ستم مانند آن که بیه را ذبح کنند؛ یعنی قتل آن حضرت نزد آن ها عظمی ندارد و مستوجب شوند به این سبب سخط و غضب مرا. پس فریاد و فغان ابراهیم علیه السلام بلند شد و دل او به درد آمد و شروع کرد به گریه کردن. پس خطاب از مصدر جلال الهی رسید که: ای ابراهیم! جزع و فغان تو را فدای فرزندت اسماعیل قرار دادم مثل آن که اسماعیل را به دست خودت فدا کرده، چون بر حسین علیه السلام و قتل او گریه کردی و واجب گردانیدم از برای تو بلندترین درجات کسانی را که ثواب دادم به جهت مصائب و این است تفسیر قول حق تعالی که می فرماید: «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ».

گفتنی است این تفسیر باطنی علاوه بر منابع مذکور در کتاب های روایی و تفسیری هم چون *تاویل الآيات الظاهرة* (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۸۶)، *تفسیر اثنی عشری* (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۸۴: ۱۱/ ۱۴۵)، *تفسیر صافی* (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴/ ۲۷۹) و... نیز این روایت از امام رضا علیه السلام نقل گردیده است. هم چنین صاحب *تفسیر البرهان* نیز طی نقل روایتی، مقصود از باطن آیه «ذبح عظیم» را امام حسین علیه السلام می داند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴/ ۶۱۹). علامه مجلسی نیز با ذکر روایتی با سند کامل، تفسیر باطنی آیه را که ناظر به امام حسین علیه السلام است، نقل نموده است (مجلسی، ۱۳۸۴: ۱۲/ ۱۲۴). هم چنین این معنا از آیه در تفسیر «نورالثقلین» نیز با ذکر سند از کتاب *عیون اخبار الرضا* علیه السلام نقل گردیده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/ ۴۲۹). صاحب کتاب *عوامل العلوم* نیز این روایت را نقل نموده است (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۱۱/ ۱۰۶).

این تأویل و تفسیر باطنی را با توجه به آثار فرازمانی به شکل دیگری می‌توان ترسیم نمود؛ به این معنا که خداوند شهادت حسین بن علی علیه السلام را به جای ذبح اسماعیل علیه السلام قرار می‌دهد که آثار و برکات تاریخی و اجتماعی آن بیشتر شود و اسوه عملی همه نسل‌ها و عصرها گردد. اگر اسماعیل علیه السلام آن روز قربانی می‌شد، قطعاً وجود مبارک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نیز هم‌زمان در صلب اسماعیل قربانی می‌گردید. از این روی خداوند تقدیر می‌کند که در آینده، در راه خدا فدیة عظیم تراز اسماعیل قربانی شود تا آثار و برکات آن از محدوده شخصی و انفرادی و خانوادگی و از محدوده زمان و مکان بگذرد و فراگیر شود و به نسل‌های آینده و دورتر تاریخ نیز تعمیم یابد؛ ولی اگر حضرت اسماعیل علیه السلام در آن روز قربانی می‌شد، به یقین آثار آن در حد شهادت امام حسین علیه السلام نبود و از مکه و محدوده خانوادگی حضرت ابراهیم علیه السلام فراتر نمی‌رفت (نقی پور، ۱۳۸۰: ۲۳۹).

قیام امام حسین علیه السلام و قربانی شدن در راه عقیده و جهاد دینی، در حقیقت، تفسیر و شرحی بود بر حرکت رازآمیز و نمادین حضرت ابراهیم علیه السلام که اسماعیل علیه السلام را به فرمان حق به قربانگاه برد تا آن ذبح عظیم صورت گیرد. در واقعه کربلا، امام حسین علیه السلام خود مصداق کامل ذبح عظیم و ذبیح اعظم است (اکبری، ۱۳۸۵: ۲۹).

در ترجمه و شرحی که استاد غفاری بر کتاب *عیون اخبار الرضا علیه السلام* نگاشته، به شبهه‌ای پیرامون این روایت، این‌گونه پاسخ داده شده است:

گفتنی است ممکن است اشکال شود: اگر مراد از «ذبح عظیم» قتل حضرت سیدالشهداء علیه السلام باشد، لازم می‌آید کسی که رتبه‌اش بالاتر و شریف‌تر است جایگزین و فدای پایین‌تر از خود شده باشد و حال آن که فداء در جایی به کار می‌رود که پایین‌تر، فداء و جایگزین بالاتر شود و آیه شریفه به لفظ ماضی است؛ یعنی این کار در گذشته اتفاق افتاد، نه این که در آینده (در زمان حضرت حسین بن علی علیه السلام) این فداء و جایگزینی انجام خواهد شد.

در پاسخ می‌گوییم: این اشکال نتیجه این توهم غلط است که خداوند حضرت سیدالشهداء علیه السلام را فداء و جایگزین حضرت اسماعیل علیه السلام قرار داد، حال آن که این توهم خلاف صریح متن روایت است؛ زیرا در روایت چنین آمده: بعد از آن که

خداوند گوسفند را فرستاد تا جایگزین اسماعیل علیه السلام گردد، حضرت ابراهیم علیه السلام آرزو می‌کرد که ای کاش فرزندش را ذبح می‌کرد تا به بالاترین ثواب‌ها نایل می‌گردید، خداوند هم شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام را به او اطلاع داد و ابراهیم گریه و زاری و بی‌تابی نمود و خداوند نیز وحی فرمود که این جزع و بی‌تابی تو را جایگزین ناراحتی و جزع و فزع در قتل فرزندت کرده به جای آن پذیرفتم. به عبارت دیگر ذبح عظیم همان گوسفند بوده است، کما این که در حدیث بعدی به آن تصریح گردیده و این مطالب بعد از ذبح، اتفاق افتاده است. (غفاری، ۱۳۷۲: ۴۲۸/۱)

۶. بررسی سندی روایات

سند روایت مذکور پیرامون تفسیر باطنی آیه ۱۰۷ سوره صافات به شرح زیر است:

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوسِ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ بَنِيْسَابُورَقَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ.

با بررسی تک تک رجال سلسله سند می‌توان به ارزیابی سندی روایت پرداخت.

الف) حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوسِ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ بَنِيْسَابُور

وی از شاگردان ملازم، سخت‌کوش و ثقة ابن قتیبه بوده است. شیخ صدوق در سال ۳۵۲ هجری در نیشابور او را ملاقات کرده و به واسطه وی، روایات منقول از ابن قتیبه را دریافت کرده است. بی‌تردید ترضی فراوان صدوق پس از نام وی حاوی وثاقت و ارجمنندی اوست (صدوق، ۱۴۱۳: ۴ / ۴۵۷؛ همو، ۱۳۸۵: ۱ / ۸ و ۵۹ و ۱۵۸).

ب) عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ

کشی و نجاشی از وی با عنوان ثقة یاد نموده‌اند (کشی، ۱۴۰۴: ۹۷۹؛ نجاشی، ۱۴۱۶:

۶۷۸).

ج) الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ

تمجیدها و ستایش‌ها درباره شخصیت ایشان بسیار است. به عنوان نمونه شیخ

طوسی در فهرست خود او را فقیه و متکلمی جلیل القدر معرفی می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۱۲۴). نجاشی نیز در کتاب خود وی را چنین می‌ستاید:

كان ثقة، احد اصحابنا الفقهاء والمتكلمين وله جلاله في هذه الطائفة. (نجاشی، ۳۰۷/۱:۱۴۱۶)

بنابراین، بررسی سندی روایت حکمی از صحت سند روایت است؛ چرا که از تک‌تک رجال سلسله سند به نیکی یاد شده است.

نتیجه‌گیری

آیه ۱۰۷ سوره صافات «وَقَدْ يٰنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» علاوه بر تفسیر ظاهری که با توجه به تفاسیر، قربانی است که از سوی خداوند برای حضرت ابراهیم علیه السلام فرستاده شد، دارای تفسیر باطنی نیز هستند. معنای باطنی «ذبح عظیم» در این آیه، به امام حسین علیه السلام ناظر است. این تفسیر باطنی که برخاسته از روایتی تفسیری از امام رضا علیه السلام با سندی صحیح است با شروط و معیارهایی که برای حجیت تفسیر باطنی ذکر شده سازگار است؛ زیرا منافاتی با معنای ظاهری آیات ندارد. یعنی می‌توان گفت که معنای ظاهری «ذبح عظیم» قربانی ظاهری است که از سوی خدا در قبال قربانی نشدن فرزند ابراهیم علیه السلام فرستاده شده و معنای باطن آن، ناظر به فردی است که از صلب ابراهیم علیه السلام است و «ذبح عظیمی» است که از لحاظ عظمت و رتبه بسیار بالاتر از فرزند ابراهیم علیه السلام به شمار می‌رود.

منابع

- ابن فارس، ابوالحسین احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقایس اللغة، قم، مكتبة أعلام الإسلامی.
- اكبری، فریدون (۱۳۸۵ش)، «اقبال و كربلا»، رشد و آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۸۰.
- بابایی، علی اكبر (۱۳۸۶)، مكاتب تفسیری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین كتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳ق)، عوالم العلوم، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل البيت.
- حسینی استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۱ش)، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مرتضوی.
- زرقانی، عبدالعظیم (۱۹۸۸م)، مناهل العرفان، بیروت، دارالکتب العلمية.
- شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش)، تفسیر اثنتی عشری، تهران، میقات.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- _____ (۱۳۸۵ش)، علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری.
- _____ (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار، تحقیق: علی اكبر غفاری، قم، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صفار، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، قم، بی نا.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر

- موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزہ علمیہ قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل اللہ یزدی، تہران، ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۹۸۹م)، مجمع البحرین، بیروت، دار و مکتبۃ الہلال.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفۃ الرجال، قم، موسسہ آل البیت علیہ السلام.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمد بن شاہ مرتضی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تہران، مکتبۃ الصدر.
- متقی ہندی، علاء الدین علی بن حسام (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن و الأقوال و الأفعال، بیروت، مؤسسۃ الرسالۃ.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۴ش)، بحار الأنوار الجامعة لدرر الأخبار الأئمة الأطہار، تہران، مکتبۃ الإسلامیہ.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۵ش)، التحقیق فی کلمات القرآن، تہران، وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی.
- معرفت، محمد ہادی (۱۴۱۸ق)، التفسیر و المفسرون فی ثوبۃ القشیب، مشهد، دانشگاہ علوم اسلامی رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونہ، تہران، دارالکتب الإسلامیہ.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق)، رجال النجاشی، قم، مؤسسہ نشر الاسلامی.
- نصیری، علی (۱۳۸۶ش)، رابطہ متقابل کتاب و سنت، تہران، پژوهشگاہ فرہنگ و اندیشہ اسلامی.
- نقی پور، ولی اللہ (۱۳۸۰ش)، اہل بیت علیہم السلام در قرآن، بی جا، بی نا.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی